



تفسیر

پرسش: چرا دین مفسر می‌خواهد؟

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - تعریف دین
- ۳ - مصداق واقعی دین
- ۴ - تعریف تفسیر
- ۵ - نیازمندی به تفسیر
- ۶ - اقسام معارف قرآن از جهت فهم آن
- ۷ - علل نیازمندی به تفسیر
 - ۷.۱ - فقدان آگاهی‌های لازم
 - ۷.۲ - برخی از ویژگی‌های قرآن کریم
 - ۷.۲.۱ - معارف بسیار زیاد و الفاظ محدود
 - ۷.۲.۲ - محتوای متعالی در قالب الفاظ متداول
 - ۷.۲.۳ - آمیختگی و پراکندگی مطالب
- ۸ - اصول تفسیر
 - ۸.۱ - قواعد کلی تفسیر
 - ۸.۲ - منابع تفسیر
 - ۸.۳ - علوم مورد نیاز مفسران
 - ۸.۴ - شرایط مفسر
- ۹ - معرفی منابع بیشتر
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

مقدمه

در پاسخ به سؤال فوق لازم است ابتدا واژگان کلیدی سؤال تبیین و تعریف شوند.

تعریف دین

درباره مفهوم دین، تعاریف بسیار متفاوت و گاه متعارض و چند پهلو ذکر می‌شود که گاه حتی مکاتب ماده‌گرا و آیین‌های انسان پرستانه و غیر معتقد به خدا را نیز شامل می‌شود. ولی آن چه برای ما اهمیت دارد روشن شدن مفهوم اصطلاحی کلمه دین است؛ و لذا مراد ما از دین همان پیام هدایت خداوند برای انسان است که در قالب شریعت‌های گوناگون بر پیامبران الهی وحی شده است، روح کلی این پیام مشتمل بر عقاید صحیح و دستورات اخلاقی و حقوقی برخاسته از مصالح و مفاسد واقعی حیات انسان است که پیروی از آنها کمال حقیقی و توسعه وجودی انسان را پدید می‌آورد.

مصداق واقعی دین

بنا به دلایل قطعی و خدشه ناپذیر، امروز مصداق واقعی دین الهی و شریعت حق همان آیین نازل بر حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - و وحی قرآنی است که از هر گونه دستبرد بشری مصون است. حقانیت هر یک از شریعت‌های پیشین که مورد تصدیق قرآن نیز هست مربوط به طرف زمانی آنها است و با آمدن شریعت بعدی، عمل به شریعت پیشین نامقبول است. [۱]

تعریف تفسیر

این واژه به معنای کشف و پرده برداری از ابهام کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنها است. به عبارت دیگر «تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمالی [۲] آیات قرآن، و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره». [۳]

بعد از روشن شدن تعریف دین و تفسیر و تبیین مراد و مقصود ما از آن دو واژه، اینک به نیازمندی دین به تفسیر و علل آن می‌پردازیم.

نیازمندی به تفسیر

در جای خود ثابت شده است که الفاظ محاورات عرفی و متون عادی، مشتمل بر سه قسم (نص، ظاهر و مبهم) هستند و مطابق سیره عقلاء، تردیدی در اعتبار و حجیت دو قسم اول نیست. [۴] حال این سؤال مطرح می‌شود که وضعیت متون دینی چگونه است؟ آیا آنها نیز مشتمل بر سه قسم مذکورند؟ یا این

که اصلاً شریعت صامت و گنگ است و همه متون آن جزء مبهمات و متشابهاست که تحصیل آن در گرو تفسیر خواننده است و خود به تنهایی بر معنایی دلالت نمی‌کند؟

طرفداران **هرمنوتیک**، مبلغ و مروج دیدگاه دوم هستند و آن را به صورت قضیه کلیه مطرح می‌کنند. دیدگاه دیگر طرفدار ناطق بودن شریعت به صورت قضیه جزئی است. به این بیان که شریعت مشتمل بر نصوص و ظواهری است که دلالت آن بر مقصود جزئی است و در کنار آن بعضی آیات و روایات مبهم و متشابه وجود دارد.

اقسام معارف قرآن از جهت فهم آن

معارف قرآن کریم از جهت ظهور و خفا و سهولت و صعوبت فهم آن از الفاظ و عبارات آیات، در سه مرتبه قرار دارد: یک مرتبه از آن بی‌نیاز از تفسیر است و هر کس که به **زبان عربی** آشنا باشد، بدون نیاز به تفسیر می‌تواند آن معارف را از قرآن فرا گیرد. و مرتبه دیگر که بخش عمده‌ای از معارف را در بر می‌گیرد نیازمند تفسیر است و درک و فهم این معارف سخت نیازمند تفسیر است که یا باید خود مقدمات لازم برای توانایی بر تفسیر را طی کرده و دانش و شرایط لازم برای توانایی بر تفسیر را طی کرده و دانش و شرایط لازم برای تفسیر را کسب نموده و به تفسیر آیات پردازد و یا از تفاسیر معتبر مفسران مورد اعتماد بهره گیرند. ولی مرتبه دیگری از آن ویژه راسخان در **علم** (نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - و اوصیای گرانقدر آن حضرت) است و تنها راه پی بردن به آن معارف بلند، تفسیری است که از آنان نقل شده است.

این دسته بندی سه گانه در روایات نیز مطرح شده است: «ثم ان الله جل ذكره... قسم كلامه ثلاثة اقسام: فسمما يعرفه العالم والجاهل و قسماً لا يعرفه الا من صفا ذهنه و لطف حسه و صح تمیيزه، ممن شرح صدره للاسلام و قسماً لا يعرفه الا الله و انبيائه و الراسخون في العلم». خداوند کلام خود را به سه قسم تقسیم کرد: ۱- قسمی که هم عالم و هم جاهل آن را می‌فهمند، ۲- قسمی که فقط عالمان آن را می‌فهمند (یعنی کسانی که ذهن آنها صاف و حسن آنها لطیف باشد و دارای **شرح صدر** باشند و قدرت تمییز حقایق را داشته باشند)، ۳- قسمی که فقط خدا و فرستادگان او و راسخون در علم، آن را می‌فهمند. حال پرسش اساسی در این زمینه آن است که راز این نیازمندی به تفسیر چیست؟ و چه عواملی سبب این نیازمندی شده است؟

علل نیازمندی به تفسیر

← فقدان آگاهی‌های لازم

یکی از عوامل مهم نیازمندی به تفسیر ضعف دانش بشر است. فهم قرآن منوط به برخورداری معلومات مختلفی است که فقدان هر یک، فهم مقصود خداوند از الفاظ و عبارات قرآن را دچار ابهام ساخته و نیازمندی به تفسیر را ضروری می‌سازد. بعنوان نمونه فقدان آگاهی از مفاد واژگان و ناآگاهی نسبت به **ادبیات عرب** و شناخت صحیح ساختار کلمات و جملات و خصوصیات معنایی بیانی آیات کریمه و در پاره‌های موارد نیز، ناآگاهی از شرایط و اسباب نزول، سبب نیازمندی به تفسیر می‌شود، مانند آیه شریفه: «انما النسيء زبادة في الكفر يضل به الذين كفروا يلخون بها و يحرمونه عما ليوطو عده ما حرم الله» که عدم آگاهی از شأن نزول آیه و اینکه مقصود از نسیء در فرهنگ آن زمان چه بوده، سبب نیاز به تفسیر است.

← برخی از ویژگی‌های قرآن کریم

قرآن دارای ویژگی‌هایی است که برخی از آنها در نیازمندی ما به تفسیر مؤثر است، از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

← معارف بسیار زیاد و الفاظ محدود

قرآن کریم تمام معارفی را که بشر برای **سعادت** خویش به آن نیازمند است، در حجم نسبتاً کمی از الفاظ و عبارات ارائه کرده است. به عبارت دیگر از حداکثر ظرفیت الفاظ و جمله‌ها برای قالب ریزی معنایی عمیق استفاده کرده است. و همین امر سبب شده که فهم بخشی از آیات، نیازمند تامل و دقت بیشتر و تحقیق عمیق‌تری برای پی بردن به مقصود خدا باشد و از این رو ضرورت تفسیر را ایجاد می‌کند.

← محتوای متعالی در قالب الفاظ متداول

در قرآن مجید، آیاتی وجود دارد که از حقایق ماورای این **جهان** سخن می‌گوید. این آیات، حقایق فراتر از این جهان را در قالب الفاظی که برای تفهیم و تفاهم امور این جهانی وضع شده‌اند ارائه می‌کند و این امر سبب می‌شود که فهم مقصود خداوند از آن آیات برای همگان میسر نباشد و برای پی بردن به آن، تلاش فکری ویژه (تفسیر) ضرورت یابد. مانند آیات پیرامون وحی، **قیامت**، و آیات مربوط به **عرش و کرسی** و...

← آمیختگی و پراکنندگی مطالب

یکی دیگر از ویژگی‌های قرآن که نیاز به تفسیر را ضروری می‌سازد آن است که مطالب آن دسته بندی موضوعی ندارد و این گونه نیست که این کتاب، تمام سخن خدا درباره یک موضوع را یک جا و در فصل معینی بیان کرده باشد، بلکه در هر صفحه‌ای از آن و حتی گاه در هر آیه‌ای از آن از موضوعات متعدد و مطالب مختلفی سخن به میان آمده است. در **حدیث** نیز به این مطلب اشاره شده است: «و ليس شيء ابعث من عقول الرجال من تفسير القرآن، ان الایه ليتنزل اولها في شيء و اوسطها في شيء و آخرها في شيء و هو كلام متصرف على وجوه». [5] [6] یعنی: هیچ چیز برای مردم سختتر از تفسیر قرآن نیست زیرا ابتدای یک آیه درباره یک چیز نازل می‌شود در حالی که وسط آن درباره چیز دیگر و آخر آن درباره مسأله دیگری نازل شده است. و این کلام خدا باید از چند جهت مورد دقت قرار گیرد.

← فاصله زمانی با نزول قرآن

فاصله زمانی، از اموری است که نیاز به تفسیر را تشدید می‌کند؛ زیرا از یک سو احتمال تغییر مفاهیم کلمات و فاصله گرفتن از اوضاع و شرایط زمان نزول آیات، آگاهی از مفاد استعمالی آیات در آن زمان و فهم معنای مراد از آن را مشکل نموده و از سوی دیگر، اختلاف نظرها و تشکیکها و تردیدهایی که به تدریج از طرف مفسران و یا احیاناً مفسران در مورد آیات کریمه مطرح می‌شود، مفاد آیات و معنای مراد از آن را در حاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. و همچنین در طول زمان، نیازهای علمی جدیدی برای بشر به وجود می‌آید که پاسخ آنها در قرآن با صراحت بیان نشده و استنباط آن از اشارات قرآن کریم، توان علمی ویژه‌ای می‌طلبد و تفسیر آیات، با توجه به نیازهای جدید ضرورت می‌یابد. [7] بنابراین **عقل**، وجود سخنگو و **مفسر** شریعت را ضروری و لازم می‌داند.

اصول تفسیر

باید توجه داشت که تفسیر قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن در صلاحیت هر کسی نیست بلکه مبتنی بر اصولی است که تفسیر صحیح آیات قرآن بدون شناخت آن اصول و رعایت آنها سامان نمی‌یابد. اصول تفسیر را می‌توان در پنج امر به شرح زیر خلاصه کرد:

← قواعد کلی تفسیر

هر کس بخواهد به تفسیر آیات کریمه و فهم مراد خدای متعال از آن پردازد، نیازمند آن است که قواعد مقتضی را بر مبنای **بديهيات عقلی و قطعیات** و مسلمات شرعی و ارتکازات عقلایی، برای تفسیر شناسایی کند و شیوه تفسیر خود را بر آن استوار نماید، تا هم شیوه تفسیری او بی‌منا نباشد و هم در موارد اختلاف، انتخاب او بی‌ملاک و گراف نباشد و هم با رعایت آن قواعد، خطاهای تفسیری و کاهش یافته و به مراد واقعی خدای متعال بیش از دیگران دست یابد و با توجه به اینکه گوینده قرآن آفریدگار عقل و نازل کننده **شروع و حجت** قرار دهنده این دو است و در این کتاب عظیم با مردم به زبان خود آنان سخن گفته است، اتقان قواعد مزبور و صحت تفسیر استوار بر آن آشکار و بی‌نیاز از بیان است.

فوائد تفسیر بخش مهم بلکه مهمترین بخش از اصول تفسیر را تشکیل می‌دهد.

الف. در نظر گرفتن **قرائت** صحیح. [8]

ب. توجه به مفاهیم کلمات در زمان نزول.

ج. در نظر گرفتن قواعد ادبیات عرب. [9]

د. در نظر گرفتن قرائن. [10]

هـ. کلیه دلایل و مستندات تفسیر باید از امور قطعی و یقینی و یا چیزی که به منزله آن است باشد و به اصطلاح اصولی «علم» یا «علمی» باشد. [11]

و. در نظر گرفتن انواع دلالتها.
ز. احتراز از ذکر بطون برای آیات (مفسر نباید بر اساس آراء بشری و استحسانات ذوقی، مطالبی را به عنوان معانی باطنی آیات کریمه بیان نماید).

← منابع تفسیر

فهم و شناخت مقاصد و مفاهیم آیات قرآن کریم نیاز به منابعی دارد که کوتاهی در گزینش و مراجعه به آنها، سبب برداشت ناقص و ناروا از آیات می‌شود، منابع تفسیر قرآن را می‌توان در شش مقوله ذیل دسته بندی کرد:

۱. قرآن؛ ۲. روایات **معصومین** - علیهم السّلام؛ ۳. منابع لغوی؛ [۱۲] ۴. منابع تاریخی؛ ۵. عقل؛ ۶. دستاوردهای تجربی. [۱۳]

← علوم مورد نیاز مفسران

مقصود از نیازمندی تفسیر به علوم، بهره گیری از قواعد و ضوابط علوم برای کسب توانایی در بهره گیری از منابع و بکار گیری قواعد در فهم و تبیین آیات قرآنی است. بنابراین نیاز تفسیر به علوم، نه به دلیل نقص در شیوه بیان قرآن، بلکه به منظور فراهم آمدن زمینه فکری و ذهنی مناسب برای مفسری است که می‌خواهد از مفاهیم حقیقی قرآن پرده برداری نماید و آن را به خداوند متعال نسبت دهد. بدون تردید درک مفاهیم متعالی قرآن و ویژگیهای لفظی و معنوی آیات آن، ظرفیت فکری و عقلی مناسبی را می‌طلبد که فقط در سایه کسب توانایی‌های علمی میسر خواهد بود. اقسام علوم مورد نیاز مفسر عبارتند از:

- علوم ادبی (علم لغت، علم صرف، علم نحو).
- علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع).
- علوم قرآنی (قرانات، **ناسخ و منسوخ**، محکم و **متشابه**، اسباب نزول و...).
- علوم استنباط معرفت دینی (**اصول فقه**، **فقه**).
- علوم حدیث (**رجال**، **درایه**).
- **علم کلام**، **علم تاریخ** و علم موهبت.

← شرایط مفسر

برخی از شرایط و ویژگی‌های مفسر، در صحت و اعتبار تفسیر مؤثر است، به گونه‌ای که فقدان آن سبب خطای در تفسیر می‌شود مانند: تسلط و **حضور ذهن** نسبت به پیش فهم‌های تفسیر، ملکه استنباط و آگاهی و اعتقاد به جهان بینی قرآن. و برخی از ویژگی‌ها سبب کمال و باروری بیشتر تفسیر است مانند: توانمندی فکری، **صفای باطنی** و فعال بودن ذهن.

معرفی منابع بیشتر

- ۱- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱ (قرآن در قرآن).
- ۲- مصباح بزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
- ۳- هادی معرفت، محمد، تلخیص التمهید، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ ق.

پانویس

۱. ↑ **مانده/سوره ۵، آیه ۱۵**.
۲. ↑ هر کلامی یک مفاد استعمالی دارد و یک مراد واقعی، مفاد استعمالی معنایی است که کلام با توجه به مفاهیم عرفی کلمات و قواعد حاکم بر هیئات و ترکیبات و قراین متصل بر آن دلالت دارد. و مراد واقعی مطلبی است که گوینده آن را از کلام خویش اراده کرده است خواه با مفاد استعمالی کلام مطابق باشد و خواه بر خلاف آن باشد. بر این اساس فهم هر کلامی دو مرحله دارد: فهم معنا و کشف مقصود.
۳. ↑ بابایی، علی اکبر و عزیز کیان، غلامعلی و روحانی راد، مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، ۱۳۷۹، ص ۳۲.
۴. ↑ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۱۸، به نقل از احتجاج طبرسی.
۵. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۹۲.
۶. ↑ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۲.
۷. ↑ روش شناسی، تفسیر قرآن، همان، ص ۲۴-۴۰.
۸. ↑ قرائت صحیح قرائتی است که با آن چه پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - بر مردم تلاوت کرده مطابقت داشته باشد و برای بدست آوردن قرائت پیامبر اسلام می‌توان از طریق نقل متواتر (نقل افرادی که در تمام طبقات، کثرت آنان به حدی باشد که ثبانی آنان بر کذب، محال عادی باشد) و سیره عملی مسلمانان در هر عصر و زمان، دست یافت.
۹. ↑ مقصود از ادبیات عرب، در اینجا، صرف، نحو، معانی و بیان است.
۱۰. ↑ مقصود از قراین، اموری است که به نحوی ارتباط لفظی یا معنوی با کلام داشته و در فهم مفاد کلام و درک مراد گوینده مؤثر باشد.
۱۱. ↑ در اصطلاح علم اصول فقه، به دانش قطعی و یقینی و برهان عقلی و دلیل نقلی مفید قطع و یقین «علم» گفته می‌شود و به ظنی که دلیل قطعی بر اعتبار آن باشد و نازل منزله علم به شمار آید «علمی» گفته می‌شود. به عنوان مثال، نصوص قرآن کریم و روایات متواتر علم نامیده می‌شود و به ظواهر آیات کریمه و خبر واحد معتبر «علمی» گفته می‌شود. (ر.ک: محمد رضا مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۸، ۲۸، ۲۹).
۱۲. ↑ مقصود از منابع لغوی، هر گونه منبعی است که ما را در فهم معنا و کاربرد واژگان قرآن در زمان نزول یاری دهد. بر این اساس، قرآن مجید، روایات معصومین، سخن صحابیان، فرهنگ عامه مردم در دوران نزول، همه از منابع لغوی تفسیر به شمار می‌آیند.
۱۳. ↑ منظور آن است که آیاتی که ناظر به پدیده‌های طبیعی است باید ویژگیهای واقعی پدیده‌های طبیعی در آنها مورد توجه قرار گیرد.

منبع

اندیشه قم.

رده‌های این صفحه : **کلام جدید** | **فلسفه دین** | **هرمونوتیک**